

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی
تربیه آموزشی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها
دوره آموزشی

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله
تربیه آموزشی

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

حکمت متعالیه و حقوق عمومی

فهیمة اسدی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه شیراز

Fahimeassadi@Gmail.com

چکیده

صدرالمتألهین شیرازی با غور و تعمق در اندیشه پیشینیان خود و مکاتب ایشان و با کنار هم گذاشتن مکتب فلسفه اشراق، مشاء و مسالک عرفانی و اخلاق نظری و عملی با استفاده از هوش و ذکاوت خود موفق به تأسیس مکتبی جدید به نام حکمت متعالیه شد. در این مکتب وی به نقش انسان و سیر و سلوک وی و تربیت نفس می پردازد و سپس این انسان را لایق مدیریت جامعه بعد از پیامبر و امامان می داند. این فرد با استفاده از قدرت مشروع خود دست به اداره جامعه و امور دنیوی افراد می زند و در حدود شرع قوانینی برای جامعه وضع می نماید. البته این امر صرفاً با مقبولیت مردمی باید همراه باشد در غیر این صورت مشروعیت نخواهد داشت. انسان در نظر وی آزاد و مختار است تا به کمال برسد یا خیر. این اندیشه بر متفکرین و اندیشمندان پس از وی تأثیر گذاشته است و امام خمینی با توجه به این مکتب دست به ارائه نظریه ولایت فقیه و انقلاب اسلامی زد.

واژگان کلیدی: حکمت متعالیه، ملاصدرا، امام خمینی، انقلاب اسلامی ایران

مقدمه

صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی یا ملاصدرا در سال ۹۷۹ ه.ق. در شیراز متولد شد. ملاصدرا ۷ تا ۱۵ سال بنا بر اقوال مختلف در روستای کهک در اطراف قم، کنج عزلت گزید و به تهذیب نفس پرداخت تا به شهود عالم معقول نایل آمد. پس از دستیابی به کمال صوری و معنوی بار دیگر به زندگی دنیوی بازگشت. این سیر طبق چهار سفری است که وی در آغاز کتاب اسفار به آنها اشاره می کند. مطالعه و بررسی آثار وی نشان می دهد که از نظر تفکر فلسفی و به ویژه تفکر سیاسی از کسانی چون افلاطون، ارسطو، افلوپین، فارابی، ابن سینا، سهروردی، غزالی، خواجه نصیر الدین طوسی، ابن عربی، شیخ بهایی و میرداماد تأثیر پذیرفته و بر فیلسوفان بعد از خود تا عصر حاضر تأثیر گذاشته است. (علیخانی و همکاران: ۱۳۹۰)

ملاصدرا با کنار هم قرار دادن عقل و وحی و دل و به عبارت دیگر، شرع و فلسفه و عرفان و حکمت مشایی و اشراقی و کلام، مکتب جدیدی به نام «حکمت متعالیه» تأسیس کرد. ملاصدرا همچون فارابی در احصاءالعلوم، علم سیاست به معنای امروزی را از فقه سیاسی تفکیک می کند. در واقع بخشی از امور کشورداری را شارع مقدس یا مجتهدان و فقها در هر زمان مشخص می کنند و بخش دیگر به تدبیر خود انسان ها واگذار شده است و علم سیاست و شریعت شامل هر دو می شود. البته ملاصدرا علم اخلاق و تدبیر فرد را دانشی مستقل ذکر کرده در حالی که فارابی علم اخلاق، کلام، فقه و سیاست را ذیل علم مدنی قرار داده است. (خدیوچم: ۱۳۶۴)

در این نوشتار به دنبال بررسی عناصر مرتبط با حقوق عمومی در اندیشه ملاصدرا می باشیم و عناصری از قبیل رهبری جامعه، نظر وی درباره قدرت و قانون، جمهوریت و برابری از دیدگاه وی را مطالعه می نماییم و در نهایت تأثیرات وی بر اندیشه امام خمینی و شکل گیری انقلاب اسلامی مورد مذاقه قرار می دهیم.

۱- معرفی حکمت متعالیه و انواع آن

۱-۱- حکمت: بهترین تعریف حکمت در رهیافت متعالیه این است که «حکمت شناسایی راهبردی پدیده های راهبردی» است. حکمت بر خلاف دیگر علوم و معارف که مطلق شناخت پدیده ها بدون توجه به نگاه راهبردی به آنها و ماهیت و حقیقت راهبردی پدیده هاست، حکمت شناسایی (شناختن و شناساندن) پدیده ها و پدیدارها با توجه به نگاه راهبردی به آنها و حقیقت و ماهیت آن پدیده هاست. بدین ترتیب، حکمت علم حقیقی و یقینی و ماهوی پدیده است. به تعبیر ملاصدرا، مراد علم و شناخت نظری-عملی و به ویژه کلی است. دو مفهوم کلیدی در تعریف حکمت: علم پدیده که همان حکمت است و پدیده متعلق علم که سیاست است. (صدرا: ۱۳۸۹)

۱-۲- متعالی: متعالی شامل تعالی معنوی، فرهنگی، اخلاقی و حتی تعالی و تلطیف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی است. تعالی عبارت از معرفت الله است که غایت قصوا و ثمره علیا است. به عبارت دیگر، تعالی کمال تعقل و کمال تعالی فرد و جامعه یا نوع انسان و حد غایی و نهایی آن است. مفهوم متعالی در حکمت متعالی، ورای جنبه عنوانی که عارضی و تسمیه به نظر می آید و در قیاس با حکمت متعارف یا عامیه قرار گرفته است، برآمد و مرتبه تعالی حکمت متعارف و تمام مشارب حکمی حکمت مشاء، حکمت اشراقی و حتی آمیزه ای از مسالک عرفانی و بلکه اخلاق نظری و عملی و نیز کلامی و تفسیری است. ضمن اینکه متعالی ذاتاً به معنای تعالی گرای و نیز تعالی پذیری عمومی انسانی و اجتماعی-سیاسی است. (صدرا: ۱۳۸۹)

۱-۳- مفهوم سیاسی: سیاست نظام دهی و اداره (فرد، جامعه، کشور و جهان) است. به عبارت دیگر راهنمایی و راهبری یا ارائه طریق و رسانیدن به مطلوب است. سیاست به این معنا اعم از طراحی و راهبرد کلان اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی و نیز برنامه ریزی عملی

و عملیاتی عمدتاً در درون بخش های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. در این صورت به آن خط مشی اطلاق می شود.
(صدرا: ۱۳۸۹)

- ۴-۱- حکمت متعالی سیاسی: به یک اعتبار بخش سیاسی حکمت، و به ویژه حکمت متعالی است. زیرا حکمت حتی در حوزه عمومی، کل نگر، نظام مند و قانون گراست که در حوزه انسانی-اجتماعی منجر به طرح و تبیین سیاست و فلسفه سیاسی می گردد. و به اعتبار دیگر، مبین وجه یا وجوه سیاسی حکمت و حکمت متعالی است. در این صورت مبین نگاه سیاسی به حکمت متعالی و تمامی مبادی، مبانی و مباحث آن یا نگاه حکمی به سیاست و مبادی، مبانی و مباحث آن است. به اعتبار سوم، حکمت متعالی سیاسی مبین نگریستن متعالی به مبادی، مبانی و مباحث و نیز هستی شناسی و چیستی شناسی سیاست و سیاسی است. (صدرا: ۱۳۸۹)
- ۵-۱- حکمت مدنی متعالیه: حکمت مدنی شامل حکمت در باب مدینه، جامعه مدنی و سایر پدیده های مدنی است. به تعبیر دیگر پدیده شناسی یا حکمت پدیده های مدنی و سیاسی است. (صدرا: ۱۳۸۹)

۲- اندیشه سیاسی ملاصدرا

اندیشه کسانی چون ملاصدرا نمی تواند اندیشه سیاسی اندیشه سیاسی مبتنی بر اصالت دنیا را به دنبال داشته باشد، بلکه اینان برای دنیا و انسان هدف و انجمنی قائلند و بر همین اساس سیاست مبتنی بر اصالت دنیا را نقد کرده و سیاست مبتنی بر آخرت گرایی را پیشنهاد می کنند. از نظر ملاصدرا سیاست به معنای تدبیر و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت به منظور تقرب به خداوند متعالی می باشد؛ حرکت از خودپرستی به خداپرستی و از شرک به توحید. بدیهی است چنین سیاستی به انبیاء، ائمه و علمای واجد شرایط اختصاص دارد. به نظر ملاصدرا غرض نهایی از خلقت و آفرینش سوق دادن بشر به جوار الهی است. تشکیل دولت نیز به این جهت ضروری است که امکان عبادت برای بندگان خدا فراهم آورد تا بتوانند با آرامش کامل به عبودیت پروردگارش بپردازند. وی معتقد است چون انسان موجودی خودخواه است این خودخواهی منجر به نابودی و هلاکت دیگران شود، پس اگر امر حیات در افراد بشر معطل و مهمل گذاشته شود و سیاست عادلانه و حکومت آمرانه مابین آنها در مورد تقسیم اراضی و اموال و اماکن و تخصیص دادن هر قسمتی از آنها به شخص خاص طبق حقوق و قوانین موضوعه وجود نداشته باشد، امر حیات دشوار می شود و جنگ و جدال در خواهد گرفت. بنابراین به نظر می رسد سیاست و شریعت در اندیشه ملاصدرا در راستای یک دیگرند؛ زیرا هر دو می خواهند انسان را با گذر از منازل و مراحل سفر به قرب الهی برسانند. البته شریعت و سیاست از نظر مبدأ، غایت، فعل و انفعال با هم تفاوت دارند که جای بحث آن اینجا نیست. مراد از سیاستی که با شریعت تفاوت دارد، سیاست در مکتب قدرت است و نه مکتب هدایت. سیاستی که در مکتب هدایت مطرح شد، عین شریعت است و پیامبر و ائمه پرچم دار آنند. (علیخانی و همکاران: ۱۳۹۰)

در بحث از انواع نظام های سیاسی صدرالمتألهین براساس سرمشق و الگوی رایج و غالب در فلسفه سیاسی اسلام مشی کرده و هرکجا ابهام، ایهام یا نقصی دیده به ایضاح، تکمیل و بسط آن پرداخته است. وی از دو منظر نظام های اجتماعی و سیاسی را مورد توجه قرار داده است و از نظر گستره و قلمرو شمول، نظام های اجتماعی را به دو دسته کامل و غیرکامل تقسیم کرده است. رویکرد دیگر که از اهمیت بیشتری برخوردار است تفکیک و تمایز نظام های سیاسی به لحاظ ارزش ها، غایات و اهدافی است که هر نظامی آن را تعقیب می کند. به اعتقاد ملاصدرا هر اجتماعی، نظام سیاسی متناسب با خود را دارد؛ بنابراین امکان اینکه هیأت حاکمه ای برخلاف عقاید و تمایلات اکثریت قدم بردارند عملاً وجود ندارد. براساس انسان شناسی ویژه ملاصدرا انسان ها مختارند و خود می توانند تصمیم بگیرند که چگونه زندگی کنند. (علیخانی و همکاران: ۱۳۹۰)

اصطلاح Politics در مورد کل سازمان حکومت به کار می رود و به این معناست که هیأت حاکمه به برقراری نظم براساس قانون در جامعه موظفند تا امکان زندگی آسوده و سعادت مندانه برای شهروندان فراهم گردد. اما هدایت و تربیت فکری، معنوی و رشد و تعالی انسان از حدود و مسئولیت سازمان حکومت خارج است.

اصطلاح سیاست که به جای Politics در زبان فارسی به کار می رود مفهومی وسیع تر دارد. زیرا این کلمه در ابتدا در مورد تربیت اسب به کار می رفت و به همین مناسبت در مفهوم اجتماعی خود نیز رساننده نوعی معنای تربیت و اصلاح می باشد. در غرب نیز مارکس و مارکسیست ها تلاش هایی در راستای افزودن مفهوم اصلاح و هدایت به Politics نموده اند که بی فایده بوده است. در فرهنگ اسلامی رهبری و امامت عبارت از سیاستی است که اساس آن متکی بر وحی بوده و شامل همه روابط انسانی می گردد و بنیادها و نهادها، روابط اجتماعی، آراء، عقاید، فرهنگ، اخلاق، بینش ها، سنت ها، خواسته ها، و به طور کلی روابط فرد با فرد، فرد با خدا، فرد با خود و فرد با طبیعت را سمت و سوی الهی می دهد.

از نظر ملاصدرا، سیاست به معنی تدبیر و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت به منظور تقرب به خداست. حرکت از خودپرستی به خداپرستی و از شرک به توحید. بدیهی است چنین سیاستی به انبیا، ائمه و علمای واجد شرایط اختصاص دارد. (لک زایی: ۱۳۸۱)

۳- نظر ملاصدرا درباره قانون

زندگی اجتماعی بدون قانون ممکن نیست. انسان ها اگر در جایی جمع شوند و قانونی نباشد که هر کس را در جای خود قرار داده و حقوق و تکالیفشان را مشخص سازد، فساد و هرج و مرج و ناامنی بر آن جمع حکمفرما می شود. به نظر ملاصدرا قانون مورد بحث قانون شرع است که منشأ آن خداوند متعال است. خدا از طریق وحی این قوانین را در اختیار انسان ها قرار می دهد. قانون شرع مضمّن این اهداف است: ۱ تنظیم معیشت انسان ها در دنیا، ۲- ارائه طریق وصول به جوار خدا، ۳- یادآوری آخرت و معاد، ۴- هدایت مردم به صراط مستقیم.

با این وصف خارج از قلمرو قانونگذاری شریعت، انسان نیز می تواند به قانونگذاری بپردازد با این شرط که حدود اختیار انسان در برنامه ریزی و قانون گذاری تا جایی است که مخالف قانون الهی نباشد. بنابراین انسان نیز می تواند به قانونگذاری بپردازد با این شرط که انسان، تنها در محدوده مباحات مختار است آنگونه که می خواهد عمل کند. (لک زایی: ۱۳۸۱)

۴- نظر ملاصدرا درباره قدرت

ملاصدرا به سیاست و قدرت فارغ از خدا نگاه نمی کند. غربی ها معمولاً تمام مفاهیم را از هم منقطع می کنند. اما ملاصدرا بین مفاهیم و علوم بشری به خصوص از حیث وجودی پیوستگی ایجاد می کند. قدرت از نظر وی یک امر وجودی است چرا که تمام هست ها به هستی خداوندی است و خدا هست و هستی می بخشد. قدرت امر مطلوبی است و برای رسیدن به آن بایستی سفرهای چهارگانه را طی نمود. به نظر نگارنده (بهرام دلیر) هدف سفرهای چهارگانه، رسیدن آدمی به توانایی هایی است که بتواند در سایه آنها خود و جامعه خویش را تعالی بخشد. هدف وصول به یک قدرت الهی و مدیریت حق مدارانه است. (دلیر: ۱۳۸۸)

اولین سفر، سفر از خلق به سوی حق است. این سفر طولی، از سیر طولی در مسائل وجودی آغاز می شود و تا اثبات اصل هستی واجب ادامه دارد. دومین سفر، سفر از حق به حق است. در مقامات مختلف این سفر از وحدت و اطلاق ذاتی واجب و صفات حسنی و اسماء علیا و یگانگی این اسما و صفات با یکدیگر و عدم بینونت و جدایی آنها از ذات باری تعالی بحث می شود. سومین سفر، سفر از حق به خلق است. در این سفر از افعال خداوند در صدور و آفرینش عالم و شرح قاعده الواحد و کیفیت پیدایش عوالم کلی، عقلی، مثالی و طبیعی و تنزل آنها از مخزن غیبی بحث می شود. چهارمین سفر، سفر از خلق به خلق با دیدن حق است. غایت مندی جهان، باطل و عبث نبودن آن، شناخت نفس و مسئله برزخ و قیامت و حقیقت بهشت و دوزخ و درجات و درکات آن دو، از جمله مسائل مطرح در این سفر است. (دلیر: ۱۳۸۸)

در حکمت متعالیه رویکرد جدیدی به قدرت پیدا می شود و آن اینکه دیگر قدرت الزاماً یک امر منفی و باعث آلوده شدن صاحبان قدرت نیست. بلکه صاحب قدرت می تواند خود را به اسماء الله آراسته کند.

ملاصدرا چند تعریف برای قدرت مطرح می کند: ۱- متمکن شدن برای ایجاد شیء. ۲- صفتی است که اقتضای تمکین دارد. ۳- صفتی است که تأثیر در موافقت اراده دارد. ۴- قدرت حیوانی، کیفیت نفسانی است که سبب آن متمکن از انجام و ترک کاری است. ۵- قدرت در حقیقت قوه امکانیه است که نسبتش به دو طرف فعل و ترک آن یکسان است. صدرالمتألهین، برای فراتر رفتن مردمان از حقیقت حیوانیت به مقام فرشتگان اطاعت را لازم دانسته است. براساس اقتضای منطق تشکیکی حکمت متعالیه در دیدگاه ملاصدرا دیگر تناقض وجود ندارد، چراکه مردمان در اطاعت از نبی به طور آزاد و بدون اجبار بیرونی به این نتیجه رسیده اند که سعادتشان در پیروی از پیامبر است. یعنی نه اطاعت فدای آزادی می شود و نه آزادی فدای اطاعت. (دلیر: ۱۳۸۸)

۵- حکومت دینی

در باب حکومت دینی ابتدا باید دو مفهوم سیاست را از هم تفکیک کرد. یعنی سیاست در مکتب قدرت و سیاست در مکتب حکمت متعالیه که مکتب هدایت است. سیاست در مکتب هدایت به معنای اجرای قانون الهی به وسیله انسان ها به رهبری انبیا، اوصیا و اولیا برای نیل به سعادت است. از این رو سیاست در فرهنگ اسلامی به تدبیر نیز تعریف شده است. تدبیر عبارت از سامان دهی کارها به سمت هدف مورد نظر است. این هدف همان سعادت قواست که فقط در آخرت حاصل می شود. حکومت اسلامی به امر معیشت و رفاه و امنیت مردم می پردازد تا با فراغت بال بتوانند به عبادت خدای متعال بپردازند. (علیخانی و همکاران: ۱۳۹۰)

سید جواد طباطبایی از جمله کسانی است که معتقد است ملاصدرا سخنی نو نیاورده است و حتی آنجا که در اندیشه ملاصدرا جوانه هایی از سخن نو در اندیشه سیاسی دیده می شود، نباید جدی گرفته شود زیرا ملاصدرا آنها را استطراداً بیان کرده است. دکتر داود فیرحی همین نظر را مورد تأکید قرار داده است و معتقد است ملاصدرا در بخش اعظم مباحث خود درباره سیاست از تکرار و تجدید سنت فارابی و ابن سینا فراتر نرفته است. از دکتر رضا داوری دو اظهار نظر در دست داریم. وی در حالی که در یک مورد ادعا کرده است که فلاسفه پس از فارابی به فلسفه مدنی و امر سیاست کمتر علاقه نشان داده اند، در جایی دیگر ملاصدرا را از این امر استثنا کرده و معتقد است که وی در توجه به سیاست جدی بوده است. دکتر داوری در مقاله ای به بررسی جایگاه رئیس اول در اندیشه ملاصدرا پرداخته است و به صراحت از نوآوری های ملاصدرا در عرصه اندیشه سیاسی و جدیت وی در پرداختن به سیاست سخن گفته است. وی همچنین به موردی اشاره کرده است که ملاصدرا نظر مجمل فارابی را بسط داده و از آن رفع ابهام کرده است. ملاصدرا اگر در برخی موارد از آرای پیشینیان بدون تصرف استفاده کرده است به این خاطر بوده که رأی آنان را قبول داشته و نیازی به طرح بحث جدید نمی دیده است در حالی که در موارد لازم، مثل بحث از ویژگی های فیلسوف و نبی به طور جدی وارد شده است و رفع ابهام کرده است. (لک زایی: ۱۳۸۱)

ملاصدرا را باید همچون آغازگر دوره جدیدی از اندیشه سیاسی و فلسفی دید که در قالب حکمت متعالیه و حکمت سیاسی متعالیه قابل شناسایی و تعریف است. با حکمت سیاسی متعالیه دور جدیدی در اندیشه سیاسی شیعه آغاز شد که نشان دهنده چالش و نزاع بیش از پیش میان نظم سلطانی و سیاست دینی بود. این دور جدید همانطور که فیرحی به درستی اشاره کرده بود روز به روز زمینه را برای ولایت سیاسی مجتهدان فراهم کرد تا در قالب ولایت فقیه و در دوره معاصر به دست فقیهی فیلسوف و فیلسوفی فقیه آن هم از نوع صدرایی یعنی امام خمینی به منصف ظهور رسید. (لک زایی: ۱۳۸۱)

صدرا از راه ضرورت حیات جمعی به ضرورت حکومت می رسد. اما او همانند برخی از متکلمین اسلامی از این حکم به نظریه تغلب نمی رسد و هرگز با انفعال فکری در این مورد، پای خود را از مسائل سیاسی کنار نمی کشد بلکه در مورد حکومت مطلوب خود، بعد از تقسیم بندی انواع حکومت ها، آنها را تقابل ارزشی بر مبنای فضیلت به دو نوع حکومت فاضله و غیرفاضله تقسیم می کند. از نظر وی، پذیرش دو ولایت الهی و طاغوت تابع خواست و اراده آدمی است. آنچه از اندیشه نسفی به ملاصدرا و از اندیشه ملاصدرا به اندیشه سیاسی ایران معاصر راه یافت، نقش اساسی مردم در بالفعل کردن حق حکومت حاکم است که در صورت عدم تأیید مردمی همچنان بالقوه باقی می ماند. از نظر ملاصدرا سالک در

سفر چهارم از اسفار اربعه بعد از بازگشت از حق به سوی خلق شایسته مقام خلیفه الهی است و لذا اطاعت از وی راه رسیدن به سعادت است. وی چنین کسی را مجتهد می نامد. (فدایی مهربانی: ۱۳۸۸)

۶- ولایت سیاسی

همانطور که دیدیم ملاصدرا به ضرورت وجود حکومت عقیده دارد و ولایت سیاسی را به سه دسته در ادوار مختلف تقسیم می نماید:

- ۱-۶- ولایت سیاسی انبیا: وی در اشراق دهم از مشهد پنجم شواهد الربوبیه به بیان صفات شخص پیامبر به عنوان رئیس اول می پردازد. طرح و تحلیل این ویژگی ها هم می تواند نافی دیدگاه کسانی باشد که حکومت و زعامت سیاسی را از شئون پیامبری نمی دانند و هم راهنما و الگویی برای صفات و شرایط سایر حاکمان و رهبران مسلمان در عصر غیبت باشد.
- اول کمالات رئیس اول؛ الف- از نظر قوه عاقله باید انسانی باشد که نفسش کامل و در مرحله عقل بالفعل است. ب- از نظر قوه متخیله لازم است به حسب طبع و قوه در غایت کمال باشد. ج- از نظر قوه حساسه و محرکه نیز در غایت کمال باشد.
- دوم کمالات و صفات ثانویه رئیس اول که فطری و ذاتی هستند؛ الف- صاحب فهم و درکی نیکو و سریع و گیرنده باشد تا هر چه می شنود یا به او گفته می شود بدان گونه که گوینده قصد دارد درک کند.
- ب- دارای حافظه قوی باشد تا بتواند آنچه را می فهمد یا احساس می کند در قوه حافظه خویش حفظ و ضبط کند و هرگز آن را فراموش نکند. نفس پیامبر چون متصل به لوح محفوظ است این شرط را نیز دارد.
- ج- دارای فطرتی صحیح، طبیعتی سالم، مزاجی معتدل و تام الخلقه و آلاتی نیرومند و قادر بر انجام اعمالی که در شأن اوست باشد.
- د- دارای زبانی فصیح و بلیغ باشد.
- ه- دوستدار علم و حکمت باشد تا بدان حد که تأمل در معقولات او را رنج ندهد و کوشش در راه فهم آنها او را به آزادی نرساند.
- و- حریص بر شهوت رانی و انجام امیال نفسانی نباشد بلکه از انجام دادن آنها و لهو و لعب دوری گزیند و به لذا ید نفسانیه دشمن بدبین باشد.
- ز- صاحب عظمت نفس و دوستدار زهد بوده و نفس او از هر امر ناپسند و از داشتن یا اتصاف به آن امتناع ورزد.
- ح- نسبت به کلیه خلائق رؤف و مهربان باشد و از مشاهده منکرات خشمگین نشود تا بتواند با لطف و مهربانی از اشاعه آن جلوگیری کرده، بدون داشتن قصد تجسس اقامه حدود مقرر را از جانب خداوند متعال تعطیل نکند.
- ط- دارای قلبی شجاع باشد و از مرگ بیم و هراس نداشته باشد زیرا عالم آخرت بهتر از دنیاست.
- ی- جواد یعنی بخشنده نعمت ها و عطایا باشد.
- ک- خوشحالی و بهجت او به هنگام خلوت و مناجات با خدا از همه خلائق بیشتر باشد زیرا او عارف به مقام حق و عظمت و جلال اوست.
- ل- سخت گیر و لجوج نباشد و دعوت به اقامه عدل و انصاف را به آسانی بپذیرد و در انجام دادن آن به سرعت گام بردارد و در دعوت به اقامه ظلم و جور و عمل قبیح بسیار سخت گیر باشد و از پذیرفتن آن امتناع ورزد.
- به عقیده ملاصدرا همه این اوصاف دوازده گانه از لوازم و شرایط سه گانه ای است که برای رئیس اول بیان شد. به نظر وی اجتماع این خصائص در شخص واحد نادر است مگر یکی بعد از دیگری. (علیخانی و همکاران: ۱۳۹۰)
- ۲-۶- ولایت سیاسی امامان: استدلال عقلی شیعه در باب امامت، قاعده لطف است. البته از این قاعده در دو مرحله استفاده می شود. نخست مرحله وجود امام است خواه تصرف بکنند یا نکنند؛ دوم تصرف ظاهری امام است که خود لطف دیگری است که عدم آن به سبب بندگان و بدی اختیار انسان هاست. به نظر وی مردم در تعیین امام هیچ نقشی ندارند اما در یاری دادن یا ندادن به امام نقش دارند و از این جهت در کارآیی و مقبولیت اجتماعی صاحب نقش هستند. (علیخانی و همکاران: ۱۳۹۰)

۳-۶-

ولایت سیاسی در عصر غیبت: دلیل اصلی بر ولایت سیاسی پیامبران، ائمه و مجتهدان در عصر غیبت، داشتن تخصص و دانش است. دلیل دیگر قاعده لطف است. مراد ملاصدرا از مجتهد کسی است که علاوه بر معرفت کامل به اسلام در تمامی ابعاد آن، انسان خودساخته و یا به تعبیر دیگر «حکیم الهی و عارف ربانی» است. (علیخانی و همکاران: ۱۳۹۰) صدرالمتألهین برای فقیه‌یی که فیلسوف نباشد ولایت قائل نیست، بلکه ولایت را برای فقیه‌یی می‌داند که جامع فقهین (فقه اکبر و فقه اصغر) باشد، مانند امام در عصر حاضر. (علیخانی و همکاران: ۱۳۹۰)

شیخ طوسی و امامیه پس از وی به دلایل مختلفی مادام که امام در حال غیبت بود از دادن اجازه شورش علیه حکومت جور سرباز می‌زدند و از شیعیان می‌خواستند که به حکومت جور رضا داده و از آن اطاعت کنند. در حالی که غزالی و فقهای سنی بعد از او به خاطر ثبات، اطاعت از حکومتی ظالم را که در رأس قدرت نظامی قرار داشت لازم می‌شمردند و نتیجه نظریه این دو، سکوت سیاسی بود. درحالی که علمای اهل سنت تا آنجا که مناصبی در حکومت جور می‌پذیرفتند و به میل خویش درصدد اعتبار بخشیدن به موجودیت حکومت جور بودند تا حکومت اسلامی دوام یابد. فقهای امامیه با توسل به تقیه قادر بودند برای اهدافی خاص با زمامداران همکاری کنند در حالی که مسئولیتی در حکومت جور نمی‌پذیرفتند. آنها به این مسئله اهمیت نمی‌دادند که پذیرفتن مقام از سوی دولت مشروع است یا نه. در نظر آنان پذیرفتن مناصب عامه در حکومت ظالمان به هیچ وجه به قدرت آنان مشروعیت نمی‌بخشد، بلکه آنان در حال تقیه بودند و به عنوان نایبان امام عمل می‌کردند و نه نایبان حاکم. (لمبتون: ۱۳۸۰)

در باب زعامت در عصر غیبت علامه طباطبایی معتقد است که براساس منطوق دلایل کتاب و سنت بسیاری از احکام اسلام نظیر حدود، تعزیرات، انفال جزء احکام ابدی و تعطیل‌ناپذیر اسلام است و مقام ولایت متصدی آنهاست. هرکسی که در تقوای دینی و حسن تدبیر و اطلاع بر اوضاع کاملتر است برای مقام زعامت و سرپرستی جامعه متعین است، چون تردیدی نیست که زعیم باید زبده ترین افراد جامعه باشد که باید براساس مشورت و مصلحت جامعه را رهبری و مدیریت کند. امام خمینی نیز زعامت سیاسی فقیه عادل را معادل زعامت سیاسی انبیا و پیامبر می‌داند. فقهای جامع الشرایط از طرف معصومین نیابت در تمام امور شرعی و سیاسی و اجتماعی دارند و تولی امور در عصر غیبت کبری موقوف به آنان است. حکومت و زعامت در عصر غیبت اگر براساس ولایت فقیه نباشد و اگر حاکمیت از سوی فقیه عادل امضا نشود، آن حکومت و حاکمیت طاغوتی است و اعتبار شرعی و قانونی ندارد. (صادقی ارزگانی: ۱۳۹۰)

۷- اولویت‌ها در مسائل حکومت از دیدگاه ملاصدرا

ایشان بیشترین اهمیت را برای تنظیم حقایق و نیازهای سیاسی قائل است و می‌فرماید آن موضوعاتی که مربوط به جان مردم، عقاید و مسائل فرهنگی آنهاست در اولویت می‌باشد. پس از آن مسائل بهداشتی، تغذیه و اقتصاد که مربوط به تأمین بدن مردم است در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. موضوعاتی نیز که مربوط به مسائل رفاهی و اموال مردم می‌باشد در مرتبه سوم جای می‌گیرد. بنابراین، مصوبات مجلس، دستگاه‌ها و وزارت خانه‌ها و نیز برنامه ریزی بودجه باید به گونه‌ای تنظیم شود که در مرحله اول، بخش فرهنگی، عقاید متقن دینی، اخلاق، احکام فقهی و ... و در مرحله دوم، بخش بهداشت و درمان و در مرحله سوم بخش توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. (صادقی ارزگانی: ۱۳۹۰)

۸- مشروعیت در نظام سیاسی ملاصدرا

مبنای مشروعیت حاکم اسلامی نصب از سوی خداوند متعال است، چه حاکم پیامبر باشد، چه امام و چه مجتهد. اما تشکیل حکومت و تأسیس نظام سیاسی بدون پشتوانه مردمی ممکن نیست. درست است که پیامبر، امام و مجتهد سرور عالمیان هستند اما این امر در مقام ثبوت است. سروری ظاهری وابسته به مقبولیت مردمی و اقبال عمومی است. بنابراین نظام سیاسی ملاصدرا دو پایه و رکن دارد: یکی رکن و پایه الهی که مربوط به مشروعیت و نصب حاکمان و رهبران از سوی خداست. دوم رکن و پایه مردمی مربوط به تأسیس نظام سیاسی و حکومت اسلامی است. نظام سیاسی نبی، امام و حکیم مجتهد نظامی مبتنی بر مشروعیت الهی و مقبولیت و رضایت مردمی است.

انتصابی بودن رهبری به معنای اقتدارگرایانه بودن مدل پیشنهادی ملاصدرا برای نظام سیاسی نیست. برعکس به دلیل اینکه در این مدل رهبر نیز همچون سایر مردم موظف است براساس قوانین الهی اقدام کند و در موارد ما لایص فیه براساس مشورت و اجماع عمومی عمل نماید، حقوق مردم رعایت شده و رابطه حاکمان و مردم هیچ گاه متغلبانه نخواهد شد.

نظام سیاسی مبتنی بر حکمت سیاسی متعالیه تا زمانی از مشروعیت برخوردار است که براساس قانون الهی قدم بردارد. ضامن این رفتار سیر و سلوک و مراقبت دائمی حکیم مجتهد است. سه سفر نخست از اسفار اربعه، مقدمات لازم برای رسیدن به مرحله رهبری می باشد. پس از طی موفقیت آمیز آن سه مرحله نوبت به مرحله چهارم و هدایت و رهبری مردم می رسد. (علیخانی و همکاران: ۱۳۹۰)

براساس مبانی حکمت متعالیه، مشروعیت فاعلی حکومت، مشروعیت الهی است و ویژگی اصلی که فرد را لایق دریافت حق حاکمیت می کند فیلسوف-فقیه و در حالت آرمانی فیلسوف-ولی-نبی است. غرض از دادن حق حاکمیت به چنین کسی نظم جامعه به نظام احسن است. این تصویر از مشروعیت با تصویر دینی از مشروعیت سازگاری قابل قبولی دارد و از این لحاظ نیز حکمت متعالیه به تعهد خویش برای سازگاری با دین پای بند بوده است. نظام سیاسی متعالیه از سه لحاظ، همچون نظام عالم کیانی، نظام احسن است: ۱- از لحاظ ریاست که بهترین رئیس بر آن حاکم است. زیرا رئیس در مرحله عقل مستفاد است و از عقل بهترین صورت را برای مدینه کسب می کند. ۲- از لحاظ غایت که به سوی بهترین غایت است و آن گسترش عقل در همه مردم است. ۳- به لحاظ معناداری که این نظام هم جزئاً معنادار است؛ یعنی هیچ امر پوچ و بیهوده ای در آن نیست و هم کلاً معنادار است؛ یعنی در آن محدودیت های ناشی از حکومت واقعاً ارزشمند است. (حسنی: ۱۳۸۸)

صدرالمتألهین همانگونه که توانست با استفاده از مواد و مصالح فلسفه مشائی، اشراقی و عرفانی حکمت متعالیه را تأسیس کند به همین شکل نیز موفق به تأسیس حکمت متعالیه سیاسی شد. همین حکمت سبب شد که بعدها امام خمینی یکی از بزرگترین دست پروردگان حکمت متعالیه، نظام جمهوری اسلامی را تأسیس نماید. اکثر فعالان سیاسی که از صنف علمای دین بودند از سید جمال الدین اسد آبادی تا مرتضی مطهری و از علامه طباطبائی تا امام خمینی شاگرد مکتب متعالیه و ترویج دهنده آن بودند. (لک زایی: ۱۳۸۱)

۹- انقلاب اسلامی و حکمت متعالیه

انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه پشتوانه فکری دارد باید خاطر نشان کرد که فقط به دلیل مرجع تقلید بودن امام شکل نگرفت؛ بلکه جنبه فقهاتی امام نیز به گونه ای در یک نگرش فلسفی- حکمی خاص ریشه داشت. انقلاب اسلامی در نگرش صدرایی امام ریشه دارد. بسیاری از تعبیر امام برگرفته از عبارات ملاصدراست. در اندیشه امام نوعی کل گرایی توحیدی موج می زند که از صدرالمتألهین متأثر است. مطابق نگرش صدرایی ولایت فقیه بسط یافته نبوت، امامت و تجلی ولایت است. ملاصدرا در چندین جا می گوید که حکومت اسلامی، حکومت عدل است. امام خمینی نیز با تأثیر از آن نگرش خاص که با نوعی نگرش دیالکتیکی آمیخته و برگرفته از وحی است، حکومت اسلامی را حکومت عدل می داند. اگر فرمان ولی فقیه با محوریت وحی، شرعی است، نظارت مردمی نیز با همان محوریت شرعی خواهد بود. اصولی مانند: حق متقابل، امر به معروف و نهی از منکر، النصیحه للأئمه المسلمین، مشورت و ... بیانگر حق و تکلیف نظارت مزبور است. سکوت و بی توجهی به این وظیفه نشانه عدم شناخت تفکر مبنی بر ولایت فقیه است. ملاصدرا در تعریف خود از مشروعیت به معنای امروزی آن و نه به معنای شرعیت صرف، پای مقبولیت مردمی را به میان می کشد. یعنی در تعریف سیاست، آن را بر تدبیر و هدایت مبتنی می داند و بعد از آن در مقام ثبوت، به بیان ویژگی های کسی که باید بیاید و عهده دار رهبری شود می پردازد.

ملاصدرا به عنصر جمهوریت به صورت کلان و در قالب اشاره ضمنی به جامعه، توجه کرده است که این جنبه به گونه ای مفتوح در بیان امام آمده است. به نظر می رسد که ملاصدرا با عنایت به قائل شدن به وجود حقیقی جامعه و حرکت جوهری برای آن زمینه را برای ظهور و بروز انقلاب و بسترسازی برای اصلاح آن فراهم کرده است. اما امام در باب تداوم انقلاب و در بستر صدرایی، عناصری را بسط می دهد که از آن

جمله عنصر جامعه است. زیرا بحث زمان و مکان، جمهوریت، منافع و مصالح ملی و موضوعات مستحدثه حتماً باید دارای فلسفه اجتماعی باشد که این فلسفه اجتماعی باشد که این فلسفه اجتماعی را در نگاه ویژه امام به جامعه و فرد می توان جست و جو کرد. ملاصدرا و امام هردو معتقدند که انسان طبیعتاً اجتماعی است و فرد و جامعه با هم مرتبط می باشند. همچنین آنان اصلاح جامعه را بخشی از عرفان عارف می دانند. اما امام علاوه بر اینها به نکاتی توجه می کنند که ملهم از عبرت های تاریخی و سرگذشت بشر است. امام براساس جهان بینی خود برای جامعه موجودیتی مستقل قائل است. همان لایه نوظهور که الزاماً قابل تقلیل به اجزا نیست ولی با اجزا ارتباط دارد. انسان وجه برجسته ای در اندیشه امام دارد که از او با اسم اعظم الهی، عالم صغیر و عصاره هستی یاد می کند ولی جامعه نیز برای خود محلی از اعراب دارد. تفکر جهانی امام در تفکر صدرایی ریشه دارد که شامل مدینه فاضله، امت فاضله، عمران و آبادی ارض یعنی کل جهان است. نگاه جهانی امام نیز این گونه است. پس باید در خصوص قابلیت ها و ظرفیت های خویش در تبیین انقلاب اسلامی، در نگرش صدرایی و بسط این اندیشه با نمود جمهوری اسلامی و با توجه به عنصر جامعه و تحول تاریخی و نیز فلسفه سیاسی خاص مورد نظر امام، اهتمام خاصی بورزیم. در این میان فلسفه سیاسی مزبور مسئله ای جدید است که بر اساس آن، مشروعیت حاوی دو مؤلفه «حقانیت و مقبولیت» است که هیچکدام بدون دیگری مشروعیت را نیست. (افروغ: ۱۳۸۷)

۱۰- انسان شناسی ملاصدرا

بحث معرفه النفس از مباحث جدی ملاصدرا در اسفار اربعه و دیگر کتب وی است. معرفت نفس گام آغازین برای رسیدن به شناختی دقیق از اجتماع و در نهایت خداوند است. از آنجا که حکمت متعالیه منظومه ای دقیق و سنجیده است، نوع نگرش ملاصدرا به انسان و ویژگی های آن متأثر از زیرساخت های فلسفی وی است. از نظر وی، انسان مدنی الطبع جوینده کمال، خردورز، آزاد و مختار، نیازمند قانون و در کشاکش قدرت و فضیلت است. انسان هر قدر عالم تر گردد و از شناخت بیشتری برخوردار شود، سعه وجودی بیشتری خواهد یافت و زمینه تشبه به وجود مطلق در او فراهم و هویدا شده و متخلق به اخلاق الله می گردد. با دانایی و معرفت او در می یابد که سیاست مطلوب آن است که انسان براساس عقل و اختیار بر وسوسه قدرت طلبی فایق آید و برای کسب فضیلت در جامعه براساس قانون الهی بکوشد. (سیدباقری: ۱۳۸۷)

انسان محوری در فلسفه سیاست متعالی ریشه در نوع تفسیر حکمت متعالیه از وجود دارد. نفس به عنوان هویت انسانی برای اولین بار در این فلسفه وجودی مادی در مرحله حدوث و مجرد در ذات تعریف شده است. نفس وجودی بسیط در عین کثرت است. گویا صدرا آگاهانه این مبنای کلیدی را برای بنای مهم خود در فلسفه سیاسی نهاده است. انسان از پایین ترین مرحله وجود تا عالی ترین مراتب وجود، سفر استکمالی خود را طی می کند. انسان همانگونه که سازنده وجود و شخصیت خاص خود در طول حیات است، سازنده اجتماع نیز است و باید باشد. انسان چونان موجودی ویژه در عالم خلقت تنها در صورتی می تواند به کمالات لایق خود برسد که در تعاملی دوسویه (کثرت در وحدت و وحدت در کثرت) در متن جامعه حضور یابد. (علاقه بند طوسی: ۱۳۸۷)

با وجود تمام این تعاریف از انسان وی در کتاب اسفار، زنان را در زمره حیوانات آورده است و ملاحدهای سبزواری نیز در تفسیر خود از این کتاب از این تعبیر استقبال نموده است: « و از جمله فوائد آفرینش زمین برای انسان این است که خداوند آن را بستری برای زاد و ولد حیوانات گوناگون قرار داده است که بعضی برای خوردن هستند و بعضی برای سواری و زینت و بعضی برای حمل بار خلق شده اند و بعضی از این حیوانات هم [زنان] برای ازدواج خلق شده اند. [همان طور که خداوند در قرآن می فرماید:] "والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً". ملاحدهای سبزواری در حاشیه اش بر این مطلب می نویسد:

«این که ملاصدرا زن را در زمره حیوانات قرار داده است اشاره ای لطیف به این موضوع است که زنان به دلیل ضعف عقولشان و جمودشان بر ادراک جزئیات و میلشان به زینتهای دنیا نزدیک است که حقیقتاً و صداقتاً ملحق به حیوانات زبان بسته شوند. چه این که سیره اغلب آنها چون حیوانات و چهارپایان است و لکن خداوند بر آنها صورت آدمی پوشانده است تا مردان از معاشرت و ازدواج با آنان شمشز نشوند.»

نکته جالب توجه در سخن ملاصدرا این است که وی به آیه ای استناد می کند که دقیقاً زن و مرد را از یک جنس می داند. شاید منظور وی از حیوان، حیوان ناطق بوده است و نه حیوان به معنای عام آن. اما با وجود تفسیری که ملاهادی سبزواری از این متن نموده است تماماً زن یک حیوان دیده شده است. با عنایت به اینکه ملاصدرا یک فیلسوف مسلمان بوده است نمی توان این مسئله را با وجود آیات و روایات مختلف موجود در دین اسلام پذیرفت. بنابراین احتمالاً ملاهادی از این سخن وی سوء برداشت کرده است و مقصود واقعی وی با توجه سبک فکر و اندیشه وی حیوان ناطق بودن زن است همانطور که مرد نیز چنین است. البته در زمانه وی گویا اندیشه غالب در مورد زنان چنین بوده است و چنین سوء برداشتی طبیعی به نظر می رسد.

در مجموع باید تمام نظرات وی را در کنار هم دید. ای بسا اگر منظور وی از انسان و سیر تکاملی وی صرفاً مرد بود، در نوشته های دیگر خود به این مسئله اشاره ای ولو تلویحی می نمود اما به جز در کتاب اسفار چنین چیزی دیده نمی شود.

نتیجه

ملاصدرا حکیمی فیلسوف است که همواره در نظر خود از مدینه فاضله فارابی الگو گرفته است و به نظر وی مدیریت این مدینه به عهده انسان کاملی است که به سیر و سلوک پرداخته و مجدداً به میان مردم بازگشته است. چنین انسانی اولاً نبی است که واجد صفات عالیه عقلی، نقلی، اخلاقی و ... است و پس از ایشان زمامداری جامعه به عهده امامان است که به خوبی در راه خدا قدم برداشته اند و معصومند و ویژگی های نبی را دارند. پس از ایشان بدین جهت که جامعه نمی تواند بدون ولی بماند و انسان ها برای اینکه بتوانند راحت به عبادت خدا بپردازند ناچارند امور روزمره زندگی خود را به فردی امین بسپارند، فقیه فیلسوف که مراحل اسفار اربعه را طی کرده است و به کمال رسیده است عهده دار مسائل جامعه می شود و مردم مطمئنند که وی خیانت نخواهد کرد چراکه وی عادل است و تلاش نموده تا ویژگی های نبی را کسب کند. در کنار بحث رهبری جامعه وی به مشروعیت داشتن حاکم نیز توجه نموده است و معتقد است حاکم باید از مقبولیت مردمی برخوردار باشد حتی اگر منصوب از طرف خدا باشد. قدرتی که این چنین به دست حاکم می رسد اگر با تعالی و سفرهای همراه باشد، امری ارزشمند است که به انسان ها در رسیدن به قرب الهی کمک می کند. این چنین فردی صلاحیت قاعده گذاری در حدود شرعی را نیز دارد. انسان در مرکز فلسفه وی حضور دارد و این انسان می تواند به مرتبه ای برسد که عهده دار مدیریت جامعه شود. حتی آنجایی که وی ظاهراً زن را حیوان خطاب می کند برای ما پذیرفتنی نیست که با توجه به آیات قرآن که می فرماید ما زنان را از جنس خودتان (مردان) آفریدیم تا آرامش گیرید، زنان حیوان به معنای عام باشند. بلکه به نظر می رسد منظور وی از حیوان، حیوان ناطق است که برابر با مردان است.

این طرز تفکر بر اندیشه اندیشمندان پس از وی از جمله امام خمینی (ره) تأثیرات زیادی داشت و در نهایت منجر به شکل گیری نظریه ولایت فقیه و انقلاب اسلامی شد. از اینجا می توان نتیجه گرفت که با توجه به برابری خواهی امام خمینی و تأثیرات وی از ملاصدرا، ایشان درک درستی از جمله ملاصدرا در اسفار داشته و زن را با مرد برابر دانسته است. در نهایت به وضوح می توان تأثیر حکمت متعالیه را بر انقلاب اسلامی و مفاهیم بنیادی آن دید.

منابع

کتاب

صدرا، علیرضا. ۱۳۸۹. مفهوم شناسی حکمت متعالی سیاسی. قم: پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی.

فدایی مهربانی، مهدی. ۱۳۸۸. پیدایش اندیشه سیاسی عرفانی در ایران. تهران: نشر نی.

لک زایی، نجف. ۱۳۸۱. اندیشه سیاسی صدرالمتألهین. قم: بوستان کتاب.

لمبتون، آن. ۱۳۸۰. دولت و حکومت در اسلام، ترجمه سید عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی. تهران: نشر عروج.

مقالات

علیخانی، علی اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، جلد ششم، چاپ اول، ۱۳۹۰

دلیر، بهرام. (۱۳۸۸) قدرت و ویژگی صاحبان آن در حکمت متعالیه، مجموعه مقالات کنفرانس سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، شریف لک زایی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

آیت الله جوادی آملی. (۱۳۸۷) حکمت متعالیه سیاست متعالیه دارد، مجموعه مقالات کنفرانس سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، شریف لک زایی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دفتر اول، چاپ اول

صادقی ارزگانی، محمد امین. (۱۳۹۰) زعامت متعالیه، مجموعه مقالات کنفرانس حکمت متعالیه از منظر سیاست متعالیه، شریف لک زایی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، جلد سوم، چاپ اول

حسینی، ابوالحسن. (۱۳۸۸) معنا و مبنای مشروعیت حکومت در حکمت متعالیه، مجموعه مقالات کنفرانس سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، شریف لک زایی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، جلد اول، چاپ اول

افروغ، عماد. (۱۳۸۷) تبیین فلسفی انقلاب اسلامی براساس حکمت متعالیه، مجموعه مقالات کنفرانس سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، شریف لک زایی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دفتر اول، چاپ اول

سید باقری، سید کاظم. (۱۳۸۷) انسان شناسی در فلسفه سیاسی متعالیه، مجموعه مقالات کنفرانس سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، شریف لک زایی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چکیده نشست ها و مقاله ها، چاپ اول

علاقه بند طوسی، سید خلیل. (۱۳۸۷) نقش انسان شناسی در سیاست متعالیه، مجموعه مقالات کنفرانس سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، شریف لک زایی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چکیده نشست ها و مقاله ها، چاپ اول

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله